

نیرالادباء و کتاب معادن*

سید محمدرضا ابن الرسول**

وین جمله چو طی شد، نمکین علم حقیقت
کاستاد علوم است، بر این جمله مراد است

* بر نگارنده این مقال فرض است که حضرت استاد دکتر سید کمال موسوی-دام
ظله-را که در نگارش این مقال همچون همیشه الطافشان را از این کمترین
شاگرد خود دریغ نکرده‌اند، خالصانه سپاس گویم. ایامشان به کام باد.
** مدرس دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد.

۱. شرح حال و آثار نیر را او خود به طور پراکنده در کتابش (معادن، ج ۲ در یک
مجلد)، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا]، ج ۱، ص ۱، ۲، ۶، ۱۵۹، ۱۷۴، و
ج ۲، ص ۲۲، ۷۰، ۷۱ آورده است. جمال الدین قدسی نیز در همان
کتاب (نیر، حبیب الله، معادن، ج ۳، ص ۶۴)، و استاد جلال الدین همایی
(تاریخ اصفهان، (مجلد هنر و هنرمندان)؛ به کوشش ماهدخت بانو همایی،
تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۳،
۱۱۸، ۱۱۹)، و سید مصلح الدین مهدوی در چند اثر خود (تذکره شعرای
معاصر اصفهان؛ اصفهان، کتابفروشی تأیید، ۱۳۳۴، ص ۵۲۳؛ و نیز
تذکره القیوم، یاد دانشمندان و بزرگان اصفهان؛ اصفهان، کتابفروشی ثقفی،
۱۳۴۸، ص ۱۷۰)، و علامه سید محمدعلی روضاتی (زندگانی حضرت
آیه الله چهارسوقی؛ اصفهان، ص ۱۱۱) هم هر یک به گونه ای به این موضوع
پرداخته‌اند. سایر کتب از جمله آثار آقابزرگ تهرانی (نقباء البشر فی القرن
الرابع عشر؛ با تعلیقات سید عبدالعزیز طباطبایی، چاپ دوم، مشهد:
دارالمرتضی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۵۴؛ و نیز للریعه الی تصانیف الشیعه؛
ج ۲۹، چاپ سوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۱۲۴۱ق،
ج ۲۱، ص ۱۷۵)، و خانبابا مشار (مؤلفین کتب چاپی، فارسی و عربی از
آغاز چاپ تاکنون؛ عجم، ج ۲، ص ۴۷۷) و محمود هدایت (گلزار جاویدان؛
ج ۳ (با صفحه شمار مسلسل)، تهران، چاپخانه زیبا، ۱۳۵۳-۱۳۵۵،
ج ۳، ص ۶۷۳)، و نیز کتاب التراقریبان (زندگینامه نام آوران فرهنگی ایران
(از آغاز تا سال ۱۳۰۰ش)؛ زیر نظر کمال حاج سید جوادی با همکاری
عبدالحسین نوابی با تکمیل و انجام حسین محدثزاده و حبیب الله عباسی؛
تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷-۱۳۸۰، ج ۶، ص ۸۱)
همگی مطالب خود را درباره نیر، از مآخذ پیشین نقل کرده‌اند. و نیز
۲. تولد او در ۲۲ ماه شوال و وفات او در ۴ ماه جمادی الثانی واقع شده است.
۳. آخوند کاشانی، در گذشته به سال ۱۳۳ق، از مدرسان فلسفه و عرفان در
حوزه اصفهان بوده، بسیاری از بزرگان همچون آیات عظام آقاجنی
قوچانی، ارباب و بروجرودی از تلامذه ایشان‌اند (برای شرح حال وی
ر. ک: هنرفر، لطف الله؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان؛ اصفهان:
<

میرزا حبیب الله نیر^۱ (۱۳۰۸-۱۳۷۹ هـ. ق) از ادبا و شعرای
نامور اصفهان در دوره معاصر است. در اصفهان متولد شد و در
محلّه بیدآباد سکونت داشت. نزد پدر دانشمند و ادیب و
دایی های هنرمند خود- که شرح حال آنان خواهد آمد- مقدمات
علوم و ادبیات و نیز خوشنویسی را فراگرفت. سپس در محضر
علمای طراز اول، همچون آخوند ملا محمد کاشی^۲ و شیخ
مرتضی اصفهانی ریزی^۳ تلمذ کرد و علوم قدیمه- از تجوید و
صرف و نحو و لغت و معانی و بیان و بدیع و عروض گرفته تا
رجال و اخبار و تفسیر و اصول و فقه و منطق و حکمت و کلام و
عرفان و معارف حقیقی و لدنی- را آموزش دید. در احوال او
نوشته‌اند که بخش اعظم قرآن و اکثر ادعیه و بیش از ده هزار بیت
شعر عربی و فارسی- انشایی و انشادی- را به خاطر داشت؛
چنان که خود نیز بدان اشاره می کند.^۵

استعداد خداداد، قریحه سرشار و حافظه بسیار، او را به
فراگیری و تتبع در علوم و فنون گوناگون سوق داد. چنان که
ریاضیات، منشی گری، حسابداری، زبان لاتین و تاریخ و
جغرافیای ایران و جهان را آموخت. انواع خطوط را نیز خوب
می نوشت.^۶ او خود، در این باره سروده است:

در مصحف و شعر و ادبیات و ریاضی

دستی است مراکش ید بیضا ز عباد است^۷

در سلسله وصف خط این بس که ز کلکم

هر نقطه سویدای دل اهل سواد است

پوشم نسب خویش چه دانم که تو دانی

کاین پایه مرا ثامن این سبع شداد است^۸

نیر در آغاز تأسیس مدرسه معروف قدسیه،^۹ مدتی مدرس آن بود، ولی پس از چندی برای رفع نیازمندی‌های مادی به شغل دفترداری و حسابداری روی آورد و تا آخر عمر بدان اشتغال داشت. وی خود در بیان این که چرا از پیروی همتایان ادیب و شاعر خود در پرداختن تمام وقت به ادب و شعر سرباز زده، می‌نویسد: «با این که دوستدار فضل و جامعیت، بلکه موئع در تحصیل آن بودم، و قتم اجازه نمی‌داد که پیروی کنم و به مضمون الکاسب حبیب الله، فقط مشغول کسب دفترداری بودم».^{۱۰} بدین ترتیب او قریب سی سال در مؤسسات و بنگاه‌های ملی کار کرد و در طول این مدت، به درستی و پاکبازی معروف بود.

نیر در زندگی به سلامت نفس، درستکاری، وطن دوستی و دستگیری از در ماندگان اشتهار داشت و با آن که خوش محاوره بود و همگان، معاشرتش را غنیمت شمرده، در مجالس محترمش می‌داشتند، روزگار خود را به گوشه نشینی و قناعت می‌گذراند. وی در طول حیات، مسافرت‌هایی به مناطق ایران از جمله خراسان و شیراز و تهران و به عراق و عتبات عالیات داشته است و نهایتاً در هفتاد و یک سالگی بدرود حیات گفته، در مقبره خانوادگی^{۱۱} در تکیه توپسرخانی تخت فولاد اصفهان، مدفون گشته است. از اوست:

عمر من گشت خزان، کاش نسیم رحمت

بر نهالم وزد و برگ گناهم ریزد^{۱۲}

شاعر معاصر سید محمدرضا بهشتی^{۱۳} تاریخ وفات او را در ضمن قطعه‌ای چنین آورده است:

بهشتی هشت پا در جمع و گفتا

بهشتی شد حبیب الله نیر^{۱۴}

نیر از نگاه معاصران

به جز کسانی که بر کتاب معادن تقریظ نگاشته‌اند و بدان‌ها خواهیم رسید - برخی دیگر از بزرگان معاصر نیر نیز تعییراتی در وصف او آورده‌اند که باز گفت آنها خالی از لطف نیست. علامه آقا بزرگ تهرانی وی را چنین ستوده است: «عالم ادیب ... من المرموقین فی الفضیلة والکمال ... وهو الیوم من مشاهیر ادباء اصفهان و معارفهم».^{۱۵} استاد همایی نیز او را «فاضل خوش خط خوش حافظه»^{۱۶} دانسته است که «از حسن خط و

فضایل ادبی و طبع شعر بهره مند می‌باشد.»^{۱۷}

> کتابفروشی ثقیفی، ۱۳۴۴، ص ۷۴۴؛ و نیز مهدوی، مصلح الدین؛ تذکره القبور ...، ص ۶؛ و نیز صدوقی سها، منوچهر؛ تاریخ حکماء و هرفاء متأخرین صدر المتألهین؛ تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۹، ص ۸۴-۷۵، و نیز کتابی، محمدباقر؛ رجال اصفهان، در علم و عرفان و ادب و هنر؛ اصفهان، گلها، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۹۹-۴۰۶؛ و نیز الرافرفینان ...، ج ۱، ص ۱۱).

۴. شرح حال او را مرحوم مهدوی (مهدوی، مصلح الدین، بیان سبل الهیاده فی ذکر اقطاب صاحب الهیاده، یا تاریخ علمی اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۳ ج، قم، نشر الهیاده، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۳۱) آورده است (نیز کتابی، محمدباقر، رجال اصفهان، ج ۱، ص ۱۷۰).

۵. معادن، ج ۲، ص ۲۲.

۶. نمونه خط او در آرامگاه سید شفتی در جنب مسجد اصفهان قابل مشاهده است. نیر درباره فضایل سید و تعمیرات یکصدمین سالگرد بنای آن (۱۳۶۰ق) قصیده‌ای به زبان عربی سروده (معادن، ج ۱، ص ۲۳) و به خط خود در سردر مقبره و دیوار جنوبی رواق آن نگاهشته است (هنرفر، لطف الله، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۷۷۹).

۷. معنی بیت چنین است: در علوم قرآنی و شعر و ادب و ریاضیات، مرا دستی است که بد بیضا از بندگان آن به شمار می‌آید (در دریافت مفهوم بیت، از اشارت استاد فرزانه دکتر سیدرضا انزایی نژاد بهره گرفتم، سایه لطفشان مستدام باد).

۸. معادن، ج ۲، ص ۷۱. گفتنی است در کتاب، ترکیب «ید بیضا» در بیت اول به صورت «ید و بیضا» ضبط شده که ظاهراً خطای چاپی است و این گونه نادرستی‌ها در کتاب معادن، بسیار به چشم می‌خورد که برخی از آنها به هنگام نقل قول، اصلاح گردید. نیز به نظر می‌رسد یک بیت از این قطعه افتاده است، چه نیر به قرینه «سبع شداد»، علوم و فنون خود را در هفت رشته مراد کرده و نسب و گوهر نیک را هشتمین فضیلت خود بر شمرده، لیکن در قطعه یاد شده تنها از شش مورد (مصحف، شعر، ادبیات، ریاضی، علم حقیقت و خط) نام برده است.

۹. درباره مدرسه قدسیه، استاد همایی در ضمن شرح حال مؤسس آن، میرزا عبدالحسین قدسی، مطالبی آورده است (تاریخ اصفهان ...، ص ۱۱۱-۱۱۳؛ نیز ایمانیه، مجتبی، تاریخ فرهنگ اصفهان، مراکز تعلیم از صدر اسلام تاکنون، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۵، ص ۱۷۳-۱۷۵).

۱۰. معادن، ج ۲، ص ۷۰. گفتنی است از عبارت روایی «الکاسب حبیب الله» نوعی ایهام هم اراده شده است.

۱۱. مهدوی، مصلح الدین، لسان الارض، یا تاریخ تخت فولاد، اصفهان، انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان، ۱۳۷۰، ص ۹۹.

۱۲. معادن، ج ۱، ص ۷۵.

۱۳. برای شرح حال وی مهدوی، مصلح الدین، تذکره شعرا معاصر اصفهان، ص ۱۹۵.

۱۴. مهدوی، مصلح الدین، تذکره القبور، ص ۱۷۰.

۱۵. نقیه البشر ...، ج ۱، ص ۳۵۴. «مرموق» به معنی شخص مورد توجه، برازنده، ارجمند، شایسته و قابل ستایش است.

۱۶. تاریخ اصفهان ...، ص ۱۱۳.

۱۷. همان، ص ۱۱۸.



العلامة الواثق من هو استادی وعلیه فی جمیع العلوم قرائتی و

۱۸. زندگانی حضرت آیه الله چهارسوتی، ص ۱۷.
۱۹. همان، ص ۱۱۱.
۲۰. تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۲۳.
۲۱. تذکره القبور...، ص ۱۷۰.
۲۲. ایشان ظاهرأ همان شیخ عبدالحسین بن عمران حویزی (۱۸۷۰-۱۹۵۷م) معروف به «الخياط» شاعر نام آور و ادیب دانشور عراقی است که از او کتاب «فریده البیان فی مدح الرسول الاعظم (ص) و اهل بيته الطاهرين (ع)» در نجف (مطبعة الغری الحديثة، ۱۳۷۵ق/۱۹۵۵م) به چاپ رسیده و در دسترس است (نیز الخاقانی، علی، شعراء الغری، او النجفیات، ج ۱۲، نجف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۳ق/۱۹۵۴م، ج ۵، ص ۲۳۱-۲۶۶؛ و عواد، کورکیس، معجم المؤلفین العراقيين، فی القرنين التاسع عشر والعشرين، ج ۳، بغداد، مطبعة الارشاد، ۱۹۶۹م، ج ۲، ص ۲۲۷).
۲۳. معادن، ج ۱، ص ۱۶۶. ترجمه ابیات چنین است: کوشش آن بزرگان که تو را محبوب خدا (حبیب الله) نامیدند، بیهوده نبوده و بی نتیجه نمانده است. تو در شایستگی ها به حد نصاب رسیده ای و در بزرگواری ها نصیبی وافر فراهم آورده ای. بلندپایگی ات در هر انجمنی، ردایی نواز ثنای جمیل، بر دوشت افکننده است. جامه ای همچون مهر فروزان [و همچون نامت نیر و درخشان]، که همواره تابان است و با برآمدن آن، ماه تمام را در پرده غیبت می نهد. تو با این صفات پسنیدیده به یوسف ماننده ای، رخساره ای که همدمان را بسان یعقوب شیفته و دلباخته کرده است. هرگاه من یاد و وصف تو کنم، جانم - از آن رو که به تو دل بسته است - از وصف تو بوی خوش می شنود.
۲۴. میرزا حسن خان جابری انصاری فرزند میرزا علی امین الوزراء (۱۲۸۷-۱۳۷۶ق) ادیب، شاعر و نویسنده معاصر اصفهان است که آثار قلمی بسیاری دارد (روضاتی، محمدعلی، زندگی نامه آیه الله چهارسوتی، ص ۱۳۱)، پانوش؛ و مهدوی، مصلح الدین، تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۱۳۵؛ و مظاہری، جمشید، «حاج میرزا حسن خان جابری انصاری، مؤلف تاریخ اصفهان»، وقف میراث جاویدان، س ۵، ش ۳ و ۴، (پاییز و زمستان ۱۳۷۶)، ص ۱۸۲-۱۸۷؛ و الثاقربیان، ج ۲، ص ۱۸۷).
۲۵. معادن، ج ۱، ص ح.
۲۶. نیر خود در کتاب معادن (ج ۲، ص ۲۲) شرح حال پدر را آورده و در موارد بسیاری (از جمله ج ۱، ص ه، و، ۵۱، و ج ۲، ص ۴۴، و ج ۳، ص ۶) هم، از وی و آثار منظوم و متشورش یاد کرده است (نیز تهرانی، آقابزرگ، نقباء البشر، ج ۱، ص ۲۰۶؛ و الذریعه، ج ۹، ص ۱۲۴۶ و ج ۱۸، ص ۳۹۸ و ج ۱۹، ص ۲۸۰ و ج ۲۴، ص ۱۷۳؛ و معلم حبیب آبادی، محمدعلی، مکارم الآثار، ج ۶ (با صفحه شمار مسلسل) اصفهان، مؤسسه نشر نفائس مخطوطات، ۱۳۵۷-۱۳۶۴؛ ج ۶، ص ۲۰۷۵؛ و جزى، عبدالکریم، رجال اصفهان، یا تذکره القبور، با حواشی و ملحقات سید مصلح الدین مهدوی، چاپ دوم، [بی جا]، [بی نا]، ۱۳۶۹/۱۳۲۸ق، ص ۳۷، پانوش؛ و روضاتی، محمدعلی، زندگانی حضرت آیه الله چهارسوتی، ص ۱۱۱؛ و مهدوی، مصلح الدین، تذکره القبور، ص ۱۶۹). گفتنی است شاعر اصفهانی دیگری هم «واثق» تخلص می کرده است (همای، جلال الدین، تاریخ اصفهان، ص ۱۲۴).
۲۷. محمدباقر فشارکی فرزند محمدجعفر، از فقهای معاصر اصفهان (در گذشته به سال ۱۳۱۴ق) و صاحب آثاری در فقه و اصول است (برای شرح حال وی، مهدوی، مصلح الدین، تذکره القبور، ص ۱۶۴؛ و نیز الثاقربیان، ج ۱، ص ۱۰).
۲۸. تاریخ اصفهان، ص ۱۱۸.

محقق فرزانه، آیه الله روضاتی - مدظله - در زمان حیات نیر، او را با تعبیر «ادیب اریب و دانشمند لیب»^{۱۸} و «دانشمندی وارسته و ادیبی خوش محاوره، از شعراء و ادباء خوب اصفهان»^{۱۹} یاد کرده است. اصفهان پژوه معاصر، مرحوم سید مصلح الدین مهدوی می نویسد که نیر «شاعری است ادیب و ادیبی کامل، در نظم شعر عربی و فارسی هر دو قادر، و در فن تاریخ گسویی ماهر». ^{۲۰} همو در جایی دیگر، ^{۲۱} نیر را «فاضل ادیب و شاعر متبحر» می داند که «در فنون ادب و ... دیگر فنون، از صاحب نظران» است.

فرجام این بخش سخن را به سروده ای می آراییم که نیر خود در کتاب معادن چنین از آن یاد کرده است:

«ادیب ماهر آقای حویزی ^{۲۲} مقیم عتبات در وصف مؤلف گفته:

لم تکن أخطأت جُود الأماجد

حيث سَمْتَك لِلإله حبيبا

انت أحرزت للمزايا نصابا

وتوفرت للمعالى نصيبا

البستك العلاء فى كل ناد

بجميل الثناء برداً قشيبا

نيرا لم يزل يشع ضياء

يلبس البدر بالطلوع مغيبا

بالمعاني أشبهت يوسف وجهها

صير الألف بالجوى يعقوبا

وإذا ما ذكرت وصفك منه

تشق الروح بالعلاقة طيبا»^{۲۳}

خانواده نیر

نیر الادباء، هم از طرف پدر و هم از طرف مادر به دو خانواده علم و ادب و هنر پیوسته است. به قول جابری، ادیب مشهور معاصر، ^{۲۴} وی «به دو بیت الکمال منتسب، و به هر سفینه علمی، عکمی از ایشان مرفوع و منتصب»^{۲۵} است.

پدر او حاج شیخ محمدباقر ابن مولی حسن علی بن محمد بن میرزا، ^{۲۶} متخلص به «واثق» است که در سال ۱۲۷۴ق در همدان متولد شده و در غالب علوم قدیمه حتی ریاضیات هم استاد بوده است و نزد آخوند فشارکی ^{۲۷} تلمذ کرده، و از علمای عصر، اجازه اجتهاد داشته است. وی که به تعبیر استاد همای «از مقدسین اهل علم»^{۲۸} بوده، پس از هجرت به اصفهان در سال ۱۲۹۵ق، چون در فن ادب مهارت داشته، به مدت سی سال در مدرسه صدر اصفهان، مدرّس ادبیات بوده است. نیر به مناسبتی این گونه او را ستوده است: «حکى لى والدى الماجد

اعتمادی ...». ۲۹ از آثار او یکی مثنوی بلندی است با بیش از یک هزار بیت عربی و فارسی در پند و موعظه به فرزند خود نیر، که آن را در سال ۱۳۱۵ ق سروده و «نصح الحبيب» نام نهاده و برخی از ابیات آن چنین است: ۳۰

یا حبیب الله یا ربّی حاجتی
 بهجتی منک و منک راحتی
 مدتی خاموش بودم از سخن
 هم به خلوتگاه و هم در انجمن
 همچو فندق داشتم بسته دهن
 نی چو پسته لب گشا و خنده زن
 بد زبان، خاموش لیکن در درون
 داشتم صد ناله همچون ارغنون
 داشتم در دل بسی حب الحیب
 تا مرا واداشت بهر این کتیب
 چون که از بهر حبیب انجام شد
 زین سبب نصح الحیبش نام شد
 خوشتر از این چیست در این روزگار
 کز کسی ماند کلامی یازدگار
 در مذاق اهل دین این چند پند
 در حلاوت هست شیرین تر از قند
 اولین پند من این است ای پسر
 غصه از روزی برای خود مخور
 منت روزی مبر از آن و این
 رو بخوان و الله خیر الرازقین
 انتبه قبل السحر یا ذا القنون
 وائل بالاسحار هم یستغفرون
 یا بنی لاتفاخر بالنسب
 اتق الله وکن ابن الأدب
 با اساتید هنر از این و آن
 علم آموزی پسر تاملی توان
 این نصایح را به دقت گوش کن
 همچو آب زندگانی نوش کن
 علّمو اولادکم هذا الکتاب
 کل سطر منه فی الآداب باب
 ربنا بارک لنا هذا الکتاب
 واجعله ذخراً یوم الحساب

اثر دیگر وی، دیوان شعری است مشتمل بر نصایح و مراثی و سفرنامه و غزلیات و غیره که قریب هزار بیت دارد و در آن منظومه ای است داستانی به نام «لیلی و مجنون» که ابیاتی از آن در

کتاب معادن آمده است. ۳۱ از آثار دیگر وی، تصحیح برخی از مجلدات بحار الانوار است. ظاهراً هیچ یک از این آثار مستقلاً به چاپ نرسیده است. یاد شده در دوازدهم ربیع الثانی سال ۱۳۳۶ ق در اصفهان در گذشته است. نیر در ضمن قطعه ای در تاریخ فوت پدر، چنین هنرنمایی کرده است:

سال تاریخ و مهش، هاتف غییم گفتا:

ده و دو کسر کن از شهر ربیع ثانی ۳۲

اما از طرف مادر، ۳۳ جد نیر، آقا میرزا محمدعلی قاری خوشنویس، بزرگ خاندان قدسی ۳۴ است که در تندنویسی و ریزنویسی خط نسخ مهارت داشته و نزدیک سیصد نسخه قرآن نگاشته است. ۳۵ چهار پسر او یعنی دایی های نیر، میرزا عبدالحسین قدسی، میرزا حسن، میرزا ابوالقاسم و میرزا مهدی، همه از خطاطان مشهور اصفهان در دوره معاصرند. میرزا عبدالحسین قدسی، ۳۶ استاد نیر، ادیب، شاعر و مؤسس مدرسه معروف قدسیه از اساتید بزرگ خوشنویسی در خط نسخ و ثلث و رقاع است و قرآن چاپی معروف به چاپ صمصامی به خط اوست. او را از شاگردان سید محمدباقر درجه ای ۳۷ و آخوند ملا محمد کاشی بر شمرده اند. کتاب «تحفه فاطمیه» و «شرعیات» از آثار اوست. ۳۸ همو پدر

۲۹. معادن، ج ۱، ص ۱۴۴.

۳۰. بخشی از ابیات «نصح الحیب» به طور پراکنده در کتاب معادن آمده که نگارنده از آن میان، تنها چند بیت را برگزید (معادن، ج ۱، ص ۳، ۵، ۷، ۳۷، ۷۲، ۹۴، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۵۷، ۱۷۰، و ج ۲، ص ۲۲، ۷۰، ۸۳، ۱۷۲، و ج ۳، ص ۶۳، ۹۵، ۹۶).

۳۱. همان، ج ۱، ص ۶۷.

۳۲. همان، ج ۱، ص ۲۸؛ «شهر ربیع ثانی» مطابق ابجد، ۱۳۴۸ می شود که وقتی ده و دو (یعنی ۱۲) از آن کسر شود، ۱۳۳۶ (سال وفات) به دست می آید.

۳۳. والد نیر، مرحومه صغری دختر میرزا محمدعلی، به سال ۱۳۶۴ ق در گذشته است (همان، ج ۱، ص ۲۸).

۳۴. استاد همایی شرح حال خاندان قدسی را به تفکیک آورده است (تاریخ اصفهان، ص ۱۱۱-۱۲۴).

۳۵. از این جمله، یکصد و نود و هفت قرآن در قطع بزرگ نوشته شده است (معادن، ج ۲، ص ۷۳). گفتنی است قرآن رحلی بزرگ چاپ شده معروف به قرآن سراج الملکی یا چاپ میرزا حسنعلی خانی که به تصریح استاد همایی از همه قرآن ها کم غلط تر است (و تنها یک غلط دارد)، به خط اوست (همان، ص ۱۱۸).

۳۶. شرح حال او را مرحوم سید مصلح الدین مهدوی نیز آورده است (تذکره شعری معاصر اصفهان، ص ۳۷۵؛ و نیز تذکره القبور ...، ص ۴۰۹؛ و جزئی، عبدالکریم، رجال اصفهان ...، ص ۳۸، پانویس).

۳۷. برای شرح حال او کتابی، محمدباقر، رجال اصفهان، ص ۱۸۵-۱۸۷.

۳۸. کتاب «تحفه فاطمیه» یک بار با تقریظ محمدحسین فشارکی در سال ۱۳۲۸ ق در اصفهان چاپ سنگی شده است (مشار، خانابا، فهرست

است در خواندن آنها التباسی رخ دهد» را فهرست نموده ۵۷ و

کتاب‌های چاپی فارسی، ۵ ج، چاپ دوم، تهران، [بی‌نا]، ۱۳۵۳، ج ۱، ۱۲۱۳)، و بار دیگر با عنوان «ده گفتار پیرامون سیمای حضرت فاطمه (ع) در قرآن کریم» با تحقیق و تعلیق سید جواد میرشفیعی خوانساری در سال ۱۳۷۸ در تهران توسط بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگ‌ی نورالاصفیه تجدید چاپ گردیده است. اما در الذریعه و دیگر فهرست‌های در دسترس، نامی از کتاب «شرعیات قدسی» برده نشده است.

۳۹. برای شرح حال وی نیز کتابی، محمداقرا، رجال اصفهان، ص ۴۳۶ و ۵۳۹، پی‌نوشت ۳۰.

۴۰. ظاهراً شرح حال وی برای نخستین بار در کتاب تذکره شعرائی معاصر اصفهان (مهدوی، مصلح‌الدین، ص ۳۷۶) آمده است (نیز قدسی، منوچهر، دولت‌دیلار، مجموعه اشعار و نوشته‌های استاد منوچهر قدسی، به کوشش بهزاد قدسی، با مقدمه مهدی نوریان، اصفهان، آثریات کتاب، ۱۳۷۷).

۴۱. تاریخ اصفهان، ص ۱۱۲ و ۲۲۴.

۴۲. معادن، ج ۱، ص ح.

۴۳. همان، ج ۳، ص ۹۶. نامبرده در سال ۱۳۹۱ ق وفات کرده و در نزد پدر و برادر خود دفن شده است (معلم حبیب‌آبادی، محمدعلی، مکالم الاثار، ج ۶، ص ۲۰۷۶).

۴۴. نیر خود درباره نام خانوادگی اش می‌نویسد: «موقع گرفتن سجل سرسلسله این فامیل در اصفهان شدم. پس دو صبیبه‌ام و حاجیه مادرشان همچنین اخوی (میرزا عبدالله) و دختر و پسرشان (جمشید) مع همشیره‌ام با اولادانات و ذکور (محمدعلی) و (آقا ابوالقاسم) را اجازه دادم همگی شناسنامه (نیر) دادند» (معادن، ج ۱، ص ۱۷۴).

۴۵. همان، ج ۳، ص ۶۴.

۴۶. همان، ج ۲، ص ۲۲.

۴۷. همان، ج ۱، ص ۳.

۴۸. الغاشیه، ۸۸، آیه ۳.

۴۹. واقعه، ۵۶، آیه ۳.

۵۰. معادن، ج ۱، ص ۱۲.

۵۱. هود، ۱۱، آیه ۵۶.

۵۲. معادن، ج ۱، ص ۲۰.

۵۳. ابن عربی هم در فصوص در آغاز فصل دهم «فص حکمة أهدیه فی کلمة هودیه» این آیه شریفه را بدون هیچ اشاره‌ای به ربط آن با کلمه «هود» می‌آورد (ابن عربی، محیی‌الدین، فصوص الحکم، با تعلیقات ابوالعلاء عقیقی، چاپ افست، نوبت دوم، تهران، الزهراء، ۱۳۷۰، ۱۰۶). براساس افاده شفاهی جناب آقای مجید هادی‌زاده پژوهشگر معاصر، هیچیک از شروح و حواشی چاپ شده فصوص هم بدین نکته ظریف متفطن نشده‌اند.

۵۴. معادن، ج ۱، ص ۱۴۲.

۵۵. همان، ج ۱، ص ۱۵۳.

۵۶. همان، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۷۰.

۵۷. به عنوان نمونه توجه می‌دهد که «یومئذ» در همه جای قرآن به جز دو مورد (هود، آیه ۶۶ و معارج، آیه ۱۱) به فتح «میم» ولی در این دو آیه به کسر آن است، و یا اینکه کلمات «مؤمنین»، «خالدین» و «صالحین» به ترتیب در سوره‌های کهف، آیه ۸۰، حشر، آیه ۱۷ و تحریم، آیه ۱۰، برخلاف معهود، مثنی است و نباید به صورت جمع مذکر سالم قرائت شود؛ و یا الفاظ مثلث، مثل «جنت»، «جنت»، «جنت» (به ترتیب در بقره، آیه ۲۶۵، اعراف، آیه ۱۸۴ و مجادله، آیه ۱۷) را فهرست کرده است (معادن، ج ۱، ص ۱۶۷).

جمال‌الدین قدسی، ۳۹ و جد ادیب و شاعر معاصر ما شادروان منوچهر قدسی ۴۰ است. میرزا حسن نیز ادیب و دانشمند بزرگی بوده و همچون برادر بزرگش در مدرسه قدسیه تدریس می‌کرده است. استاد همایی صراحتاً به شاگردی این دو برادر افتخار می‌کند. ۴۱ کوتاه سخن آن که خاندان قدسی در ادب و هنر شهره این شهرند، چنان‌که جابری در وصف نیر بدان اشاره می‌کند: «و در گرانبهایش از صدف خاندان قدسی که شهرت دانش و خطشان کالشمس فی المشارق تابیده». ۴۲

از دیگر اعضای خانواده نیر، برادر او میرزا عبدالله است که نیر او را مترجم لاتین معرفی می‌کند. ۴۳ نیر خود تنها دو دختر داشته و خویشان دیگر او که هم اکنون با نام فامیلی «نیر» در قید حیاتند، همگی برادرزاده‌ها و یا خواهرزاده‌های اویند. ۴۴

اهتمام به قرآن

نیر بسیاری از آیات قرآن را در حفظ داشته و پس از فراگیری و تکمیل خط، قرآن‌هایی به خط خود نگاشته است. ۴۵ استشهدات به قرآن در مواضع مختلف کتاب معادن، بیانگر احاطه او به الفاظ و مفاهیم قرآنی است. او خود این احاطه به کلام الله مجید را نتیجه تعلیم و تربیت پدرش دانسته است. ۴۶ نیر کتاب معادن را با مقدمه‌ای در مورد اعجاز قرآن آغاز می‌کند ۴۷ و در مبحث اول کتاب که به محسنات و صنایع بدیعی اختصاص دارد، نخستین نمونه‌ها را از قرآن می‌آورد. برخی از این نمونه‌ها بسیار دور از ذهن و کمیاب و دیریاب است:

الف. در صنعت براعت: به مفهوم استعمال مباحث و مصطلحات یک فن در معنایی دیگر- آیات شریفه «عاملة ناصیه» ۴۸ و «خافضة رافعة» ۴۹ را مثال می‌آورد ۵۰ که همه واژگان آن، اصطلاح نحوی است.

ب. در بحث لغز و معما، آیه کریمه «وما من دابة الا هو آخذ بناصيتها» ۵۱ را نمونه می‌آورد و می‌افزاید:

باسم «هود» الذي هذه الآية في سورته وذلك لأن لفظ «هو» آخذ ناصية الدابة وهي «الدال»، يعني الحق الدال بآخره، يستخرج منه «هود». ۵۲

چنان‌که روشن است اگر «هو» طبق معنی آیه، پیشانی «دابة» یعنی حرف «د» را بگیرد، کلمه «هود» حاصل می‌شود و جالب این است که این آیه خود، در سوره هود واقع است. ۵۳

در طی کتاب معادن بحث‌های قرآنی دیگری با عناوین «فائدة تفسیریة»، ۵۴ «فائدة تجويدية»، ۵۵ «فائدة فرقانية» ۵۶ به چشم می‌خورد که برای نمونه، مؤلف در مبحث اخیر به تعبیر خود «کلمات ممکن آن تشبیه من القرآن / کلماتی قرآنی که ممکن

مهدوی می گوید: «شعر را نیکو می سراید»^{۷۲} جابری هم آورده

۵۸. معادن، ج ۱، ص ۱۶۱-۱۶۶؛ البته در بالای برخی صفحات این رساله، عنوان «الآیات الموزونة» قید شده است.

۵۹. تیر خود در آغاز این رساله آورده است: «البحور المنظومة بین متقدمی شعراء العرب ستة عشر بجرأكلها كان موجوداً فی القرآن لكن لا يفهم بعضها فی بادئ الرأى لخفائها» (معادن، ج ۱، ص ۱۶۱).

۶۰. تیر این آیات را که غالباً در قالب یک مصراع قرار گرفته، با افزودن نیم بیتی دیگر - با رعایت قافیه و تا حدودی معنا - در قطعاتی منظوم عرضه کرده است.

۶۱. نمونه این صنعت، آیه شریف «ذلك كفارة أيمانكم» (مائده، آیه ۸۹) است که هم با آهنگ «مفتعلن مفتعلن فاعلن» و هم با وزن مثنوی «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» سازگار است. گفتنی است اهلی شیرازی، محمد بن یوسف بن شهاب (۸۵۸-۹۴۲ق) شاعر و صوفی دوران صفویه در مثنوی «سحر حلال» خود با مطلع «ای همه عالم بر تو بی شکوه / شوکت خاک در تو بیش کوه» هفتصد بیت ذوبحرین و ذوقافیتین را به نظم آورده و اعجاب همگان را برانگیخته است، بیت زیر از آن منظومه است:

خواجه در ابریشم و ما در گلیم
عاقبت ای دل همه یکسر گلیم

تمام ابیات این مثنوی بسان آیه شریفه، با دو آهنگ یاد شده، هماهنگ است (معادن، ج ۱، ص ۱۱ و ج ۲، ص ۱۰۱). مثنوی بلند سحر حلال هم به صورت جداگانه (سحر حلال، چاپ سنگی، تهران، بی نا، ۱۳۱۶ق) و هم در ضمن دیوان وی (کلیات اشعار مولانا اهلی شیرازی، تهران، سنایی، ۱۳۴۴، ص ۶۲۰-۶۵۰) به چاپ رسیده است (نیز برای شرح حال اهلی شیرازی، اثر آفرینان ...، ج ۱، ص ۳۳۰).

۶۲. مثال آن، آیه شریفه «لاتدع مع الله إلهاً آخر» (قصص، آیه ۱۸) است.

۶۳. در این باره کتاب ارزشمند معجم آیات الاقتباس، تألیف حکمت فرج البدری، (بغداد، دارالحریه، ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م) تقریباً فصل الخطاب است. کوشش های دیگری هم اخیراً در ایران به انجام رسیده که رساله تیر از همه آنها گوی سبقت را ربوده است (نیز، خرمشاهی، بهاءالدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲ (با صفحه شمار مسلسل) تهران، دوستان-ناهد، ۱۳۷۷، ص ۶۳؛ ذیل مدخل «آیات موزون افتاده قرآن کریم»).

۶۴. معادن، ج ۲، ص ۸۲.

۶۵. شروع کتاب با سه بیت در توسل به اهل بیت (ع)، نقل شعر منسوب به آن بزرگواران، انشاد اشعار بسیاری به عربی و فارسی در مدح و رثای آنان، ذکر اشعار خود و پدرش در همین باره، تاریخ شعری و قیاس معصومین (ع)، شرح و حل برخی از احادیث مشکل، ذکر شبهات مخالفان که در اشعارشان آمده و مؤلف با همان وزن و قافیه بدان ها پاسخ گفته است، نقد و هابیت و بابیت، جدول تاریخ زندگی چهارده معصوم و ... از جمله مطالبی است که مستقیم یا غیر مستقیم بیانگر عشق مؤلف به خاندان عصمت و طهارت است، چنانکه قریب سی صفحه از جلد اول کتاب معادن (۱۱۱-۱۴۱) و پانزده صفحه از جلد سوم (۴۳-۵۶) را به موضوع تولی و تبری اختصاص داده است.

۶۶. قصبه ای عربی در مدح امیر مؤمنان (ع) را هم در بخش دیگری از مقاله خواهیم آورد.

۶۷. معادن، ج ۱، ص ۱۲۲.

۶۸. همان، ج ۳، ص ۵۴.

۶۹. همان، ج ۳، ص ۵۵.

۷۰. در کتاب معادن (ج ۱)، ص ۱۳۹ یکی از سروده های دوران کودکی اش آمده است.

۷۱. تاریخ اصفهان ...، ص ۱۱۸.

۷۲. تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۲۴.

انصافاً باید گفت که در این باره تتبع خوبی کرده که نشان دهنده انس او با قرآن است و شایسته است در کتاب های آموزش قرائت قرآن آورده شود و یا در قرآن های چاپی در حاشیه آیات مربوط، بدان توجه کنند.

از مهم ترین مباحث قرآنی در کتاب معادن، رساله ای است با نام «الآیات المنظومة فی القرآن»^{۵۸} که مؤلف در آن، آیات موزون افتاده قرآن کریم را در شانزده بحر عروضی استخراج کرده^{۵۹} و به گونه ای بدیع ارائه نموده است.^{۶۰} افزون بر این از صنعت «ذو البحرین»^{۶۱} و نیز بحر رباعی^{۶۲} و موالیای هم مثال قرآنی آورده است. این رساله که تصحیح آن در حال انجام است و به زودی به طور جداگانه در اختیار قرآن پژوهان و ادب دوستان قرار خواهد گرفت، در نوع خود کم نظیر است.^{۶۳}

باری تیر علاوه بر کتاب معادن که به تعبیر وی حاوی «نکات و ملتقطات قرآنی» نیز هست،^{۶۴} رساله جداگانه دیگری هم درباره یکی از چاپ های قرآن نگاشته که در معرفی آثار او بدان اشاره خواهیم کرد.

ارادت به اهل بیت (ع)

تیر در سرتاسر کتاب از آغاز تا انجام هر جا مناسبتی بوده، از فرصت استفاده کرده ارادت خالصانه خود را به آستان عتبرت پیامبر (ص)، اظهار نموده است. و این افزون بر مطالبی است که به نحوی به زندگی و آثار معصومین (ع) مربوط می شود^{۶۵} و در یادکرد مطالب کتاب معادن بدان اشاره خواهیم کرد. در اینجا چند تک بیت فارسی^{۶۶} او را تیمناً و تبرکاً می آوریم و خواننده را در سایر موارد به اصل کتاب ارجاع می دهیم:

بر امام کل بس این برهان، پس از ختم رسل

حاجت کل با علی و اوست مستغنی ز کل^{۶۷}

*

یارب وسیله ای که ز تیر، سگ بدن

در ارض شوره زار حسینی نک شود^{۶۸}

*

آنان که در جوار رضا آرمیده اند

کفران نعمت است بهشت آرزو کنند^{۶۹}

تیر و شعر و ادب

تیر از کودکی شعر می گفته است.^{۷۰} وی شاعری ذولسانین است که هم به فارسی و هم به عربی شعر دارد. استاد همایی نوشته است که او «غالباً به عربی شعر می سازد»^{۷۱} مرحوم



رَبِّي فَلَا تَتَوَقَّئِي إِلَّا مَعَهُ

- بِالذَّفْنِ فِي وَادِي السَّلَامِ - حَسْرَتْنِي ٩٢

٧٣. معادن، ج ١، ص ٣؛ «مجلّی» یا «سابق» به اسبی گویند که در میدان مسابقهٔ اسب دوانی از همه پیشتر باشد. گفتنی است عرب به هر یک از اسب های رتبهٔ اول تا دهم نامی خاص اطلاق کرده است. در کتاب نصاب (ابونصر فراهی، مسعود بن ابی بکر، نصاب الصبیان، با مقدمهٔ محمدجواد مشکور، تهران، اشرفی، ۱۳۴۹، ص ۲۰) خواننده ایم که:

ده اسبند در تاختن هر یکی را

به ترتیب نامیست آسان نه مشکل

مجلّی مصلّی مسلّی و تالی

چو مرتاح و عاطف، حظّی و مؤمّل ...

در مجموعه های فقهی هم در کتاب سبق و رمایه بدین موضوع می پردازند (برای نمونه: شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة، فی شرح اللمعة الدمشقیة، با تعلیقات سید محمد کلانتر، ۱۰ ج، قم، علمیّه، ۱۳۹۶ق، ج ۴، ص ۴۲۷ و ۴۲۸)، هر چند ترتیب نام های اسبان پیشرو در مآخذ یاد شده با هم سازگار نیست (نیز: خوراسگانی اصفهانی، عبدالله بن محمدحسن، قطرات در شرح نصاب، چاپ سنگی، تهران، بی نا، ۱۳۲۴ق، ص ۱۰۲).

٧٤. همان، ج ١، ص ۳۰ و ج ۳، ص ۱۷.

٧٥. به عنوان نمونه: جابری انصاری، محمدحسن، تاریخ اصفهان، ترتیب و تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری، ۳ ج در یک مجلد، اصفهان، مشعل، ۱۳۷۸، و نیز: مهدوی، مصلح الدین، تذکرة القبور ...، ص ۷۰.

٧٦. معادن، ج ۲، ص ۷۰.

٧٧. از معاصران نیز، شاعری دیگر هم به نام میرزا ابوالقاسم علاقه‌بند، تخلص نیز داشته است (مهدوی، مصلح الدین، تذکرة شعراء معاصر اصفهان، ص ۵۲۳). بیفزایم که خانبابا مشار در ادامه نام نیز، کلمهٔ شارق را هم افزوده است (مؤلفین کتب چاپی ...، ج ۲، ص ۴۷۷ و نیز: فهرست کتبات های چاپی فارسی، ج ۴، ۴۸۰۱). این خطا، یا از آنجا ناشی شده که جابری در تقریظ خود بر کتاب معادن (ج ۱، ص ۱) برای رعایت سجع فواصل، این کلمه را که مترادف نیز است، به دنبال آن آورده است: «جناب آقای میرزا حبیب الله نیز شارق، نجل حاج محمدباقر واثق، که در میدان نظم و نثر مجلّی و سابق، و ...»، و مشار گمان کرده که «شارق» جزو نام یا لقب نیز است، و یا آن که نام او را با نام سراینده ای دیگر یعنی بانو ماهرخ شارق متخلص به نیره (مهدوی، مصلح الدین؛ تذکرة شعراء معاصر اصفهان، ص ۵۲۵) خلط کرده است.

٧٨. معادن، ج ۲، ص ۷۰.

٧٩. همان.

٨٠. همان، ج ۲، ص ۱۶۲.

٨١. در آغاز کتاب معادن، شمارهٔ صفحاتی که در آن، اشعار نیز آمده، مذکور است (معادن، ج ۱، ص ۵ و نیز، ج ۳، ص ۵).

٨٢. همان، ج ۱، ص ۱۱۷.

٨٣. ای علی! عرش، بر امتیاز و برتری کعبه - که به سبب ولادت باشکوه تو به جلالتی دیگر دست یافته - غبطه می خورد.

٨٤. زمین هم محسود آسمان واقع شده است و بازبان خود می گوید که تو مرا شرافت بخشیده ای.

٨٥. مهر هم به خود می نازد که صبحگاهان سر بر آستان تو نهاده که تو مرا تابناک ساخته ای.

است که در میدان نظم و نثر، مجلّی و سابق^{٧٣} است. شهرت او بیشتر در فن تاریخ شعری است که در این فن بیشتر به زبان عربی هنر نمایی کرده است و در ویات اهل بیت (ع) و بسیاری از رویدادها و نیز تاریخ فوت اغلب معاصران (و حتی برای خود هم)^{٧٤} ماده تاریخ گفته است. در کتب تراجم معاصر به بسیاری از اشعار او در این باره استشهاد شده است.^{٧٥} با وجود شهرت نیز در میان شعرای اصفهان و مقام شامخی که نزد ادباء احراز کرده، چون به تعبیر خود،^{٧٦} شاعر شدن برای او نتیجهٔ دنیوی و اخروی معتنا بهی نداشت، کمتر در انجمن شعرا حاضر می شده و در همان سه یا چهار جلسه ای هم که در دوران جوانی شرکت کرده است، اساتید فن به مقتضای تخلص «نیر»، به او لقب نیزالادباء داده اند.^{٧٧}

نیر در نقد الشعر هم صاحب نظر بوده، «فهم معانی اشعار مشکله را هم غالباً به سرینجهٔ فکر حل نموده»^{٧٨} است. نیز طبع او با آهنگ های عروضی بسیار مأنوس بوده است و «بنابر این طبع شعرشناسی که خدادادی است، ذوق مؤلف «نیر»، هر شعری را هم که جزو عبارت و بدون آماره درج باشد، غالباً احساس نموده»^{٧٩} است. وی به لهجهٔ اصفهانی هم سروده هایی دارد که پس شیرین و خواندنی است.^{٨٠} به هر حال کتاب معادن او نمودار شعرشناسی و منزلت ادبی نیز است. در اینجا برای نمونه قصیده ای عربی و غزلی فارسی از او می آوریم:^{٨١}

١. در مدح و ستایش امیر مؤمنان (ع)^{٨٢}

العرش یغیظ فضل کعبه یا علی

لجلال اکتسبت بمولدک السّنی^{٨٣}

فالارض صارت للسّما محسودة

بلسانها نادت بان شرفتنی^{٨٤}

والشمس فاخرة لوضع جبینها

بفتاک فی الاصبح ان ضوءتنی^{٨٥}

ما کنت رباً لکن استقرتبه

بدقیقه هذا اعتقادی اننی^{٨٦}

لو لمت فی افراط حبک سیدی

لتلوت آیه «الذی لمتننی»^{٨٧}

من ذاق من بستان حبک حبه

یکفیه من ثمر الجنان لیجتنی^{٨٨}

ومن ارتضی وطناً جوار المرتضی

إن أسکنوه جنة لا یعتنی^{٨٩}

یا نیر ارج ابا تراب قاتلاً

یا رب لثم ترابه ارضقتنی^{٩٠}

«تلك القصيدة مدح حیدر» ارخت

فاکتب وحاسب واشکر الله الغنی^{٩١}

و در ذیل این عنوان کلی، جلد اول کتاب را تراوش معادی و جلد دوم را تراوش معاشی نامیده است.

۸۶. تو [هر چند] خدا نیستی اما بسیار به او نزدیک شده ای و این اعتقاد من است.
۸۷. سرورا! اگر مرا به سبب افراط در عشق تو ملامت کنند، آیه «الذی لمتنی» (یوسف، آیه ۳۲) را [که متضمن جواب زلیخا به نکو هشگران اوست] برمی خوانم.
۸۸. هر که از [تاک] بوستان عشق تو دانه ای بچشد، همان، او را از چیدن میوه های بهشت کفایت است.
۸۹. و هر که مجاورت علی مرتضی (ع) را به عنوان وطن خویش برگزیند، حتی اگر او را در بهشت هم سکنی دهند، اعتنائی نمی کند.
۹۰. ای نیر! به ابوتراب (ع) امیدوار باش و بگو که پروردگارا! آیا شود که بوسیدن خاک او را روزی من گردانی.
۹۱. این قصیده، ستایش حیدر کرار (ع) است و تاریخ آن، عبارت «تلک القصیده مدح حیدر» [به حساب ابجد (سال ۱۳۵۹)] است. پس آن را بنگار و شماره کن و سپاس خداوند توانگر بی نیاز را بجای آور.
۹۲. پروردگارا! مرا نمیران مگر آن که در وادی السلام مدفون گردانی، و با او محشور نمایی.
۹۳. مطلع غزل سعدی چنین است:

یک روز به شیدایی در زلف تو آویزم

زان دولب شیرینت صد شور برانگیزم

- این غزل از طرف مرحوم وحید دستگردی مدیر مجله ارمغان به مسابقه گذارده شد و عده ای از آقایان شعرا استقبال نمودند که حسین مکی بیست و یک غزل آنان را آورده است، هر چند غزل نیر در میان آنها نیست (گلزار اهب، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۲۳۶-۲۴۷).
۹۴. معادن، ج ۲، ص ۱۳۳، و ج ۳، ص ۸۷.
۹۵. از این رساله با نام «الآیات الموزونة» هم یاد شده است (معادن، ج ۱، ص ۱۶۱-۱۶۶).
۹۶. تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۲۴. لازم به ذکر است که نام این کتاب در فهرست تکمیل شده مشار (فهرست کتاب های چاپی فارسی، از آغاز تا آخر سال ۱۳۴۵ بر اساس فهرست خانابا مشار و فهارس انجمن کتاب، ج ۳، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲) نیامده است.
۹۷. الذریعه، ج ۹، ص ۱۲۴۱، ذیل «۷۹۵۳»: دیوان نیر اصفهانی.
۹۸. معادن، ج ۲، ص ۶۴، در ضمن شرح حال مؤلف به قلم جمال الدین قدسی و نیز: تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۲۴.
۹۹. معادن، ج ۳، ص ۹۸.

۱۰۰. نیر خود به صراحت در مقدمه کتاب، آن را «معادن» یا «المعادن» نام می نهد و در مواضع مختلف کتاب هم با همین تعبیر از آن یاد می کند. در الذریعه نیز به همین صورت نام برده شده است اما در صفحه نخست جلد سوم معادن، عبارت «معادن العلوم» نوشته شده است هر چند با عنوان روی جلد و مقدمه و چند جای دیگر همین نسخه، سازگار نیست. جمال الدین قدسی هم در شرح حال مؤلف، کتاب وی را در سه جلد و با نام معادن العلوم معرفی می کند. از سوی شیخ آقا بزرگ در نقباء البشر، معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار، سید محمدعلی روضاتی در زندگانی حضرت آیه الله چهارموسوی، سید مصلح الدین مهدوی در

- ب. غزلی در استقبال یکی از مشهورترین غزلیات سعدی: ۹۳
- «چون شانه اگر روزی بر طره ات آویزم
از سنبل تر بر گل، مشک ختنی بیزم
دارم به رهت دیده، ای یار پسندیده
تا کی من غمدیده، بنشینم و برخیزم
تا چند غم هجرت پنهان کنم از مردم
کاحوال درون پیدا است از دیده خونریزم
چون سوختی ام برده خاکستر من بر باد
شاید که بدین حیلت بر دامنت آویزم
من چاره نمی بینم جز آنکه مگر جان را
در پای تو افشانم وز دست تو بگیرم
اوصاف کمال تست هر نکته که من گویم
در مدح تو می باشد شعر طرب انگیزم
از روی چو خورشیدت من نیر تابانم
وز آن دولب شیرین، من خسرو پرویزم
گر بی تو بود جنت، در کنگره ننشینم
ور با تو بود دوزخ، در سلسله آویزم» ۹۴

آثار نیر

- کتاب «معادن» که در ادامه مقاله به تفصیل بدان خواهیم پرداخت.
- رساله «الآیات المنظومة فی القرآن» به زبان عربی که در ضمن کتاب معادن به چاپ رسیده ۹۵ و ذکر آن گذشت.
- رساله کوچکی در اغلاط چاپی قرآن های چاپ باغچه سرا، که به طبع رسیده است. ۹۶
- دیوان شعر؛ این اثر در الذریعه نام برده شده است ۹۷ ولی در سایر مآخذ شرح حال مؤلف، نامی از مجموعه اشعار نیر تحت عنوان «دیوان» به میان نیست، هر چند شعرهای بسیاری از وی در لابه لای کتاب معادن مذکور است.
- کتاب «رسواد در خندع میرزا خدا» در رد فرقه مستحده بایبه و بدعت های آنان که به چاپ نرسیده ۹۸ ولی قسمتی از آن در انتهای کتاب معادن نقل شده است. ۹۹

کتاب معادن

کتاب معادن که به نام های «معادن العلوم» و «معادن الافادات» نیز شهرت دارد، ۱۰۰ بزرگ ترین و مهم ترین اثر نیر است. او خود در وجه تسمیه آن نوشته:

ولما ورد الحديث «الناس معادن كمعادن الذهب والفضة»
ترشحت متأثر معدنی للأخلاء، فكل اناء يترشح بما فيه لذا
سميتها بالمعادن. ۱۰۱

دو جلد نخست این کتاب در یک مجلد در قطع خشتی و چاپ سربی، جلد اول، در ۱۸۴ صفحه (هشت صفحه با شمارش حروفی ۱۷۶ صفحه با شمارش عددی) و جلد دوم در ۱۷۲ صفحه به چاپ رسیده است. جلد سوم به طور جداگانه با فاصله ای زمانی پس از دو جلد نخست و به عنوان مستدرک و مکمل آنها در یکصد صفحه به چاپ سربی در همان قطع منتشر گردیده است. بخش هایی از این کتاب به زبان عربی و عمده آن به زبان فارسی است.

معادن در یک نگاه کلی، کتابی است کَشکول گونه، که گاه به شکل امروزی اطلاعاتی عمومی هم در آن عرضه شده است. نیر خود درباره عام المنفعه بودن آن چنین آورده است: «قارئین محترم معادن، کان های الماس و فیروزه و طلا و نقره و مس و آهن و زینق و ذغال سنگ و کبریت و نفت و غیره را منظور قرار داده، به استخراج مقصود، و به حرفه خود توجه می نمایند. شیعه، به توحید خدا و فضائل معصومین و عترت شریفه؛ عالم، به خفایا و اشارات لطیفه؛ عارف به نفحات و جذبات ربانیه؛ مفسر به نکات و ملتقطات قرآنیه؛ متعظ، به نصایح و تحقیر دنیا؛ ادیب، به نفاثات و بدائع گرانبها؛ مورخ به نوادر برجسته اتفاقات؛ محاسب، به دفتر داری و انشاءات؛ متجدد، به سوانح و صنایع مکتشفه؛ شاعر، با ابیات و منظومات رائقه متتخبه؛ و هکذا، پس ناظر عزیز که تشنه آب دانش و ادب، و گرسنه فضل و هنر که تعالی را سبب است، مائده های مرزوقه در نصف یک قرن مؤلف را در نصف یک ماه خویش می تواند به وسیله مصاحبت و ندیم شدن با این معادن بهره برداری نماید. بنابراین می سزد مصراع از بیت والد ماجد و ائمه را درج نمایم: جتتکم بالشهد این المشری» ۱۰۲

تحقیق تاریخ چاپ کتاب

مشار در فهرست معروف خود، به دو چاپ از جلد اول و دوم معادن اشاره می کند: یکی چاپ سربی، قطع خشتی در اصفهان به سال ۱۳۳۴ ق؛ دیگری چاپ سنگی در طهران به سال ۱۳۶۹ ق؛ و از چاپ جلد سوم هم ذکری به میان نمی آورد. ۱۰۳ اما با توجه به دلایل و قرائن زیر، برای نگارنده مسلم است که مجلد نخست کتاب معادن (شامل جلد اول و دوم) تنها یک چاپ (سربی، خشتی، تهران، ۱۳۶۸ ق) داشته است:

۱. نسخه ای که در اختیار نگارنده است به قطع خشتی و چاپ سربی است. مؤلف در مقدمه همین نسخه، تاریخ تصمیم خود بر نگارش کتاب را سال های ۱۳۳۴-۱۳۳۶ ق و مقارن جنگ جهانی اول دانسته است. ۱۰۴ در اواخر جلد اول کتاب هم تصریح می کند که کتاب معادن در روز عید غدیر سال

۱۳۶۶ ق مقارن ده آبان ۱۳۲۶ ش به اتمام رسیده است. ۱۰۵ در استدراک خود بر مطالب جلد اول که در آخرین مرحله چاپ کتاب بر آن افزوده است هم شعری از وی آمده که در آن تاریخ قوت یکی از دایی های خود را در سال ۱۳۶۷ ق ذکر کرده است. ۱۰۶ در جای دیگری از کتاب هم می گوید حاصل نیم قرن زحمت خود را در کتاب معادن ارائه نموده ۱۰۷ است و می دانیم که نیر در سال ۱۳۰۸ ق به دنیا آمده است.

تا اینجا معلوم شد که کتاب معادن در قطع خشتی و چاپ سربی برای اولین بار پس از سال ۱۳۶۷ ق (۱۳۲۶ ش) به چاپ رسیده است.

۲. تاریخ تقریظ آیتی که پس از ملاحظه دو جلد کتاب نگاشته شده و در ابتدای جلد سوم به چاپ رسیده، ۲۹/۱۲/۲۰ ش (۱۳۷۰ ق) است. ۱۰۸ مرحوم سید مصلح الدین مهدوی هم یک نسخه از همین چاپ را در تاریخ ۱۳۳۱/۱۰/۲۸ ش پشت نویسی نموده، به کتابخانه آستان قدس اهدا کرده است. وی در کتاب تذکره شعرای اصفهان (چاپ شده در ۱۳۳۴ ش) هم تنها از چاپ دو جلد معادن (بدون اشاره به دفعات چاپ) یاد کرده است. ۱۰۹ این امارات هم نشان می دهد که معادن پیش از سال ۱۳۷۰ ق چاپ شده و تا سال ۱۳۷۵ ق (۱۳۳۴ ش) هم تجدید چاپ نشده است.
۳. مؤلف خود در دیباچه جلد سوم تصریح می کند که معادن در سال ۱۳۶۸ ق در تهران به چاپ رسیده است. سیاق کلام او هم بیانگر آن است که این، نخستین چاپ معادن است. ۱۱۰

- تذکره شعرای معاصر اصفهان و تذکره القیور، و خانبابا مشار در فهرست کتاب های چاپی فارسی و مؤلفین کتب چاپی، از کتاب نیر با عنوان «معادن الافادات» یاد کرده اند. به هر حال وجه مشترک و مسلم این نام ها همان «معادن» است و دو عنوان دیگر در نوشته های مؤلف مشاهده نگردید.
۱۰۱. معادن، ج ۱، ص ۲. یعنی چون در حدیث آمده است که مردمان بسان معادن طلا و نقره اند، گزیده های معدن من نیز برای دوستان تراوش کرد چه از کوزه برون همان تراود که در اوست و از این رو آن را معادن نامیدم.
 ۱۰۲. همان، ج ۲، ص ۸۲. ترجمه نیم بیت عربی چنین است: من برای شما شهد آورده ام، خریدار کجاست؟
 ۱۰۳. فهرست کتاب های چاپی فارسی، ج ۴، ص ۴۸۰۱ و نیز مؤلفین کتب چاپی...، ج ۲، ص ۴۷۷.
 ۱۰۴. معادن، ج ۱، ص ۲۰۱.
 ۱۰۵. همان، ج ۱، ص ۱۷۲.
 ۱۰۶. همان، ج ۱، ص ۵.
 ۱۰۷. همان، ج ۲، ص ۸۲.
 ۱۰۸. همان، ج ۳، ص ۲.
 ۱۰۹. تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۲۴.
 ۱۱۰. معادن، ج ۳، ص ۹. نیر پس از ذکر تاریخ طبع دو جلد معادن ادعا می کند که از نسخ کتاب جز شماری اندک، چیزی باقی نمانده است.

تعبیراتی مثل «تیر علم» و «ماه فضل و دانش» یاد کرده، در بخشی از تقریظ خود درباره کتاب معادن آورده است:

«هزار فضل، همه لفظها در آن دلکش

هزار عقد، همه نکته ها در آن دلبر

مِن كُلِّ شَيْءٍ لَطْفُهُ وَلَطِيفُهُ

مُسْتَوْدَعٌ فِي هَذِهِ الْمَجْمُوعَةِ

هنرآموزان و گهراندوزان را سزد که از اختر هر باب و فصلی استناره، و از جوهر هر علم و فضلی استعاره نموده، قدر دانند و به هر صحیفه و نامه، سلطان نظم و نثرش را به صدر و ختامه نشانند.^{۱۱۸}

دو. آقای عبدالحسین آیتی تفتی؛^{۱۱۹} که طولانی ترین تقریظ را نگاشته و در سروده ای فارسی با بیش از سی بیت (مشمول بر سی و شش صنعت بدیعی)، کتاب و صاحبش را نیک نواخته است:

«کتاب کشکول شکن مقامات فکن ... مجموعه فصاحت، منظومه ملاحات، که توان گلستانش در یمین نهاد و بوستانش در یسار، منطق الطیرش در قبال و منبع الخیرش در وراء ... کتابی که جناب نیرش مرقوم داشته و به اسم معادنش موسوم ... زینت بخش بزم انس گردید.

۱۱۱. زندگانی حضرت آیه الله چهارسوقی، ص ۱۱۱.

۱۱۲. معادن، ج ۲، ص ۲۴، ۲۵، ۲۹.

۱۱۳. همان، ج ۳، ص ۶۳.

۱۱۴. چاپخانه پروین از چاپخانه های معروف اصفهان است که سابقاً در خیابان شاه (طالقانی فعلی) قرار داشت (افاده شفاهی جناب آقای دکتر سید کمال موسوی).

۱۱۵. در صفحه (۱) مجلد نخست معادن، سه مرکز فروش در تهران و پنج مرکز در اصفهان نام برده شده است.

۱۱۶. تیر در این باره به کتاب های کشکول شیخ بهایی، مشکلات العلوم و خزائن تراثیین، قیس المسافر و مجلس العاشر شیخ یوسف بحرینی، مفتنم الدور شیخ عبدالحسین محلاتی، الانوار النعمانیة جزایری و بحار مجلسی، اشاره می کند.

۱۱۷. معادن، ج ۱، ص ۲.

۱۱۸. معادن، ج ۱، ص ۱. ترجمه بیت عربی چنین است: گزیده نغز و نیکوی هر چیزی در این مجموعه گرد آمده است.

۱۱۹. عبدالحسین آیتی یزدی، فرزند حاج ملا محمد آخوند تفتی (۱۲۸۸-۱۳۷۱ق)، نویسنده، ادیب و شاعر معاصر، که زندگی پر تلاطمی داشته و آثار بسیاری از او بر جای مانده است (آیتی)، عبدالحسین، اشعه حیات، یادگار هشتادمین سال زندگانی عبدالحسین آیتی، ۱۳۲۸ و نیز مشار، خانابا، مؤلفین کتب چاپی ... ج ۳، ص ۷۱۸ و عبرت نائینی، محمدعلی (مصاحبی)، تذکره مدینه الادب، ج ۳، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۹۶-۳۲۰ و اثر آفرینان ...، ج ۱، ص ۸۱.

بنابراین شاید ذکر تاریخ ۱۳۳۴ در مقدمه معادن به عنوان تاریخ تصمیم مؤلف بر تألیف کتاب، امر را بر مُشار مشتبه کرده است؛ هر چند یکی از مآخذ وی^{۱۱۱} تصریح دارد که تیر در سال ۱۳۳۴ تألیف کتاب خود را شروع کرده و در سال ۱۳۶۹ در تهران آن را به چاپ رسانیده است.

اما در خصوص چاپ جلد سوم کتاب هم قراین زیر نشان می دهد که پس از سال ۱۳۷۷ق و پیش از سال ۱۳۷۹ق به همان شکل مجلد نخست (سربی، خشتی) و در اصفهان به چاپ رسیده است.

۱. در نسخه مورد استفاده نگارنده، چند بیت متضمن تاریخ شعری مربوط به وقایع سال ۱۳۷۷ق به چشم می خورد.^{۱۱۲}

۲. مؤلف خود در جای دیگری از کتاب تصریح می کند که جلد سوم معادن در عید غدیر سال ۱۳۷۷ق مقارن ۱۵ تیر ۱۳۳۷ به اتمام رسیده است.^{۱۱۳}

۳. مشخصات روی جلد و صفحه عنوان بیانگر آن است که این جلد هم در زمان حیات مؤلف به چاپ رسیده است.

۴. در صفحه (۱) جلد سوم نام چاپخانه پروین^{۱۱۴} قید شده و محل فروش هم تنها در اصفهان (بازارچه نو) معرفی گردیده است، برخلاف مجلد نخست که مراکز فروش آن هم در تهران و هم در اصفهان بوده است.^{۱۱۵} این خود نشان می دهد که جلد سوم کتاب معادن در اصفهان به چاپ رسیده است، هر چند قطع کتاب و نوع چاپ و حروفچینی دقیقاً مشابه جلدهای پیشین است.

منابع کتاب

تیر در مقدمه معادن، برخی کتاب های همانند آن را نام می برد^{۱۱۶} و تصریح می کند که عنایت داشته است مطلبی از آنها نقل نکند مگر آن که توضیحی بر آن افزوده باشد. نیز به خواننده یادآور می گردد که ممکن است مطالبی را آورده باشد که در آن کتاب ها هم دیده شود ولی باید دانست که مؤلف نمی دانسته و حتی گمان هم نمی داشته که این مطالب در آن کتاب هاست، چه وی را یا مجال تصفح آنها نبوده و یا اصلاً برخی از آنها را در اختیار نداشته است.^{۱۱۷} با این وصف می توان قرآن، کتب روایی و مجموعه های شعری مشتمل بر اشعار شعرای قدیم و معاصر عرب و عجم را از منابع کتاب معادن برشمرد.

ستایش از کتاب

سه تن از ادبای معاصر بر کتاب معادن تقریظ نوشته اند:

یک. میرزا حسن خان جابری انصاری؛ که با نثری سرشار از صنایع بدیعی، کتاب و مؤلف آن را ستوده است. وی مؤلف را با

فقلت له أهلاً وسهلاً ومرحباً

بخیر کتاب جاء من خیر کاتب

... کتابی که از کتاب خدا آیاتی را حاوی است و از خطاب مولی

عباراتی را راوی، از فقاہت بهره‌ای دارد و از نباهت شهره‌ای ...

بر آسمان جلال، هلال ابرویش

بدیع بود و بدیدم به مطلع رویش

زبس که داشت براعت، نمودم استهلال

به ردّ قافیہ باز از هلال ابرویش ...» ۱۲۰

سه. علم الهدی سید احمد ابطحی شیرازی؛ ۱۲۱ که به زبان

عربی در نثری مصنوع از نیر و کتاب معادن تجلیل کرده است.

وی در ضمن تقریظ خود، مؤلف را با تعبیر «الفاضل الادیب

والبارع الاریب» ستوده و آورده است:

«ویظهر من حُسن تألیفه علُو فکرة ومن نظم ترصیفة سموّ

قدره، ویتبین من تفحصه فی فنون [کذا] الادیب طوّل باعه ومن

تصفّحه فی العلوم العربیة جوده صناعه ... وقد جمع فیہ فصاحة

الالفاظ وبلاغة المعانی وجدّ فی اتقان البیان بصحة المبانی،

ومن طالعه یجد فی نفسه الطرب من بدائع اشعار العجم والعرب ...

ففی کلّ باب منه درّ مؤلف

کنظم عقود زینتها الجواهر ...» ۱۲۲

تفصیل مطالب کتاب

۱. بخش پیش از متن؛ ۱۲۳ شامل هشت صفحه فهرست مطالب

جلد اول و دوم و فهرست اشعار هر دو جلد و تقریظ جابری انصاری.

۲. دیباچه جلد اول؛ ۱۲۴ به زبان عربی که با براعت استهلال

(اشاره به کتاب های کَشکول و نام های علوم و فنون) آغاز

می شود «نحمدک یا من له الارض ومعادئها، والسّموات الطّباق

وخزائنها، الذی علّمنا مشکلات العلوم ومغتنم الدرر، وهو

انیس للمسافر وجلیس من حضر، فاملاً کَشکول ذنوبنا بعدب

بحار غفرانک، واجعلنا من العاملین بقرانک ...» ۱۲۵ مؤلف

سپس با ارائه اطلاعاتی کلی درباره کتاب، به بضاعت مزجاة

خود اعتراف کرده، به زبان فارسی آن را خاتمه می دهد: «با عدم

لیاقت ذوفنونی سودای خامی در سر پخته، و بدین امر خطیر

مبادرت جسته، و کان فنون تحصیلی عمر را در دسترس دوستان

ایمانی و وطنی نهاده ...» ۱۲۶

۳. صنایع بدیعی؛ ۱۲۷ که آن را با بحثی درباره اعجاز قرآن آغاز

می کند و سپس به صنعت های جناس لفظی، تجنیس متشابه،

جناس خطی، طباق، براعت، لغز و معما، عدد تاریخی، ایهام

و ترجمه می پردازد. به عنوان مثال، دو نمونه از شعر او را در

بحث جناس و صنعت ترجمه می آوریم:

مولای من؛ به نزد تو تا بنده گشته ام

چون شمع بر فروخته، تابنده گشته ام ۱۲۸

*

لأذی الحیب بکیت لکن بالخفا

خوفاً لرقته فیمعنی الجفا

که ترجمه این بیت مولوی است:

گریم و ترسم که او باور کند

وز کرم آن جور را کمتر کند ۱۲۹

۴. محسنات دیگر شعر؛ ۱۳۰ در این بخش چندین موضوع و

غرض شعری را با تعبیر محسنات یاد کرده مطالبی مثل العرفان

والجذب، عشق، العذوبة والسلاسة، اتقان الانتظام، اخلاق

حسنة، حقارت دنیا، المواعظ، التوحید والمناجات، التبری

والتولی را آورده است. در ضمن این فصل، منظومه ای فخیم و

۱۲۰. معادن، ج ۳، ص ۲-۴. ترجمه بیت عربی چنین است: پس بدو گفتم

بهترین کتاب از سوی بهترین نویسنده آمد و خوش آمد.

۱۲۱. حاج سید احمد ابطحی شیرازی ملقب به علم الهدی فرزند سید

علی اکبر یزدی (۱۲۹۷ق) از علما و فضیلتی معاصر است که از

نوجوانی در اصفهان مقیم شده و طبع روانی داشته و به عربی و فارسی

نیک می سروده است (مهذوبی، مصلح الدین، تذکرة شعری معاصر

اصفهان، ص ۲۱-۲۳ و الثاغرینان ...، ج ۱، ص ۹۰). گفتنی است نام

وی در کتاب معادن به خطا «سید احمد طباطبایی شیرازی» ذکر شده

است.

۱۲۲. معادن، ج ۱، ص ۱۷۴. ترجمه عبارات عربی چنین است: از حسن

نگارش او، اندیشه بلندش پیداست و از سامان آرایش او، منزلت

ارجمندش هویدا؛ از بررسی او در انواع ادبی، تردستی اش پدیدار

است و از واری او در علوم عربی، چیره دستی اش نمودار ... القاظ

شیوا و معانی زیبا را در آن فراهم آورده و در استوار ساختن سخن بر

بنیادی درست، پای فشرده است؛ هر که دیده بر آن ساید، از

سروده های پارسی و تازی آن به وجد آید ... در هر بخش آن،

مرواریدی گرد آمده، [آری این کتاب] همچون گردنبندی [است] که

گوهر دانه ها آن را آراسته است.

۱۲۳. همان، ج ۲، ص ۱-ح.

۱۲۴. همان، ج ۱، ص ۱-۳.

۱۲۵. همان، ج ۱، ص ۱. ترجمه خطبه کتاب چنین است: سیاس تو را،

ای که زمین و معادن آن، و آسمان های چند لایه و خزاین آن، از آن

توست. مشکلات علوم و گوهرهای با ارزش را به ما آموخته ای و خود

همدم سفریان و همشین حضریانی. معبودا! کَشکول گناهمان را با

آب گوارای دریای آمرزشت لبریز کن و ما را از عاملان به قرآنت قرار

ده.

۱۲۶. همان، ج ۲، ص ۳.

۱۲۷. همان، ج ۱، ص ۳-۴۵.

۱۲۸. همان، ج ۱، ص ۶.

۱۲۹. همان، ج ۱، ص ۳۹.

۱۳۰. همان، ج ۱، ص ۴۵-۱۴۰.

به خوانندگان به زبان عربی می نویسد که در حد توان، فنون مکتسبه و معادن مستخرجه خود را در این کتاب که ثمره عمر و معیار همت و فکر اوست به ودیعت نهاده است. سپس به رنج هایی که در تألیف آن دیده اشاره می کند و انصاف خوانندگان را می طلبد و در نهایت به سپاسگزاری از کسانی که در طبع کتاب مساعدت کرده اند پرداخته، با غلطنامه و دو بیت زیر کتاب را به آخر می رساند:

ای ذات تو بر کل ممالک مالک
وی راهروان کوی لطفت سالک
من مدح تو از کلام تو می گویم
انت الباقی و کل شیء هالک

۱۲. جلد سوم معادن که با فهرست اجمالی مطالب هر سه جلد، و تقریظ آیتی آغاز می شود، چنانکه در دیباچه هم آمده بیشتر ملحقات و مستدرکات جلدهای پیشین را در خود گرد آورده است. از جمله افزوده های بحث تاریخ شعری، اشعاری پارسی است که نیز در تاریخ معصومین (ع) سروده است. ۱۳۹ فرجام این جلد کتاب هم دو بیت عربی زیر است:

«لا زال یعلو قدره دائماً
إلی العلی جامع هذا الکتاب
ما غرّدت و رقاء فی دوحه
واضحک الروض بکاء السحاب» ۱۴۰

*

نگارنده این سطور امید دارد که این اثر ارجمند با همت یکی از دانش پژوهان ادب پارسی - که با زبان عربی هم آشنایی کافی داشته باشد - دست کم در قالب پایان نامه کارشناسی ارشد، تصحیح و احیا گردد و با نمایه ای کارآمد و پس از اعمال استدرکات های مؤلف، پیراسته و آراسته در دسترس ادب دوستان قرار گیرد.



۱۳۱. همان، ج ۱، ص ۹۶. گفتنی است شیخ آقابزرگ برخی از کتاب هایی که حدیث کساء در آن به نظم درآمده، فهرست کرده است (الدربعه، ج ۲۴، ص ۲۰۵).

۱۳۲. همان، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۶۰.

۱۳۳. همان، ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۶.

۱۳۴. همان، ج ۲، ص ۱-۲.

۱۳۵. همان، ص ۲-۲۰.

۱۳۶. همان، ص ۲۱-۶۸.

۱۳۷. همان، ص ۶۸-۱۶۹.

۱۳۸. همان، ص ۱۶۹-۱۷۱.

۱۳۹. همان، ج ۳، ص ۲۵.

۱۴۰. همان، ص ۱۰۰. ترجمه دو بیت چنین است: قدر و منزلت گردآورنده این کتاب همواره رو به بلندی باد؛ مادام که کبوتری بر سر درختی نغمه می سراید و گریه ابر، بر چهره بوستان خنده می نشاند.

فاخر نزدیک به یکصد بیت در ترجمه حدیث کساء سروده یکی از شعرا آمده که مطلع آن چنین است:

کهن شدیم در این کاروانسرای کهن
بدیده ایم بسی گردش دی و بهمن ۱۳۱

۵. فوائد علمی؛ ۱۳۲ شامل مطالب علمی گوناگون که تحت عنوان فائده از آن یاد کرده است؛ مانند فائده منطقیه، تعبیری، تفسیری، صرفیه، نحویه، فقهیه، اصولیه، عقديه، تجویدی، تکلیفیه، طهوریه، تهجدیه، علمائیه، اقتباسیه، فرقانیه. در فائده اقتباسیه رساله «الایات المنظومه فی القرآن» و در فائده فرقانیه «الکلمات الملتبسه فی القرآن» که پیشتر بدان ها پرداختیم، ذکر شده است. این فصل با جدولی مفصل درباره تاریخ تولد و زندگی و شهادت معصومین (ع) پایان می پذیرد.

۶. خاتمه جلد اول؛ ۱۳۳ که شامل تقریظ ابطحی شیرازی و غلطنامه جلد اول است.

۷. دیباچه جلد دوم؛ ۱۳۴ جلد دوم کتاب معادن با تصویری از جوانی مؤلف آغاز می شود و آنگاه در دیباچه به زبان فارسی مقدمه ای کوتاه با براعت استهلال (اشاره به اصطلاحات علم حساب) آورده است: «ستایش، سزاوار یکتایی است که عددی را تناسب احاطه نیست به جمع نعمای متفرقه و مجزای وی، و احدی را قوه ادای یکی از هزار، و عشری از اعشار شکرش نی، ...».

۸. حساب و حسابداری؛ ۱۳۵ در این بخش، مباحث کاربردی در محاسبات و تکمیل دفاتر حسابداری با ذکر نمونه آمده است.

۹. فوائد گونه گون؛ ۱۳۶ در این بخش، مطالبی با سر عنوان «فائده» در رسم الخط، نجوم، علوم غریبه، تصوف، و هابیه، بایبه، حکایات، نکات تاریخی و جغرافیایی، اطلاعات عمومی کشورهای جهان، اختراعات، ادبیات غرب، جنگ های جهانی و تاریخ جهان معاصر و ... مذکور است.

۱۰. شعر و ادب؛ ۱۳۷ این فصل که عمده مطالب جلد دوم را دربر دارد، با بحثی درباره عروض و در یافت آهنگ سخن تحت عنوان «فائده عروضیه» آغاز می شود، مؤلف در پی آن به برجستگان علوم و فنون اشاره کرده، از طبقات شعرای عرب از جاهلیت تا قرن سیزده، سی نفر ادیب و شاعر نام می برد و از هر کدام چند بیتی نمونه می آورد. سپس به موضوع و اهمیت شعر پرداخته، از چهل شاعر پارسی سرا با نمونه اشعار آنان یاد می کند. آنگاه بسان برخی تذکره نویسان، گلچینی از اشعار شاعران پارسی گوی را در پنج موضوع عرضه کرده است. این فصل با دو فائده تمییزی و مغلطیه درباره تشخیص مراد شاعران و سوء استفاده از برخی اشعار عرفانی، و دفاع از ساحت شعر به انجام می رسد.

۱۱. خاتمه جلد دوم؛ ۱۳۸ مؤلف در پایان کتاب، نخست خطاب